

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۰ جنوری ۲۰۲۱

حمید انوری

از زاویه دیگر

دو دختر به اتهام باج گیری از مردان در کابل بازداشت شدند
هشت صبح ۲۸ جدی ۱۳۹۹

این خبر در جامعه نامرد سالار افغانستان کنونی، در نظر اول تکانه‌دهنده به نظر می‌آید. با خود می‌اندیشی در افغانستان اسیر یک مشتت جنگ سالار حراف و یک درجن نامردسالار از خود و خدا بی‌خبر، چگونه همچو چیزی امکان پذیر می‌گردد.

در جامعه‌ای که به گفته "شاملو"، "دهانت را می‌بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم"، در چنین اوضاع و احوالی و چنین سرزمینی که "فرخنده" ها را در روز روشن و در ملاء عام زجر گش میکنند و زنده آتش میزنند و می‌سوزانند، خواهرکان مظلوم ما را در زندان چادری و چادر نماز آخندی، زندانی میکنند، سنگساز زنان بازخواستی در قبال ندارد، به خواهرکان نازنین فوتبالیست ما، نامردانه، شام و پگاه تجاوز جنسی روا میدارند و زانیان شورای نظاری با گردن افراشته به زادگاه خود پناه برده و به ریش هرچه حکومت و هرچه قانون است، قهقهه می‌خندند، و...، چگونه دو دختر جوان در قلب کابل دست به همچو کارروائی‌ها میزنند و...، و سرنخ این کلاوه بکجا منتهی می‌شود و هزار و یک پرسش دیگر است که بی‌جواب می‌مانند.

بیانید این خبر را کمی حلاجی کنیم:

"۸ صبح، کابل: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری اعلام کرد که پولیس حوزه سوم امنیتی شهر کابل دو دختر را به اتهام باج گیری از افراد «مشهور و نیک نام» بازداشت کرده است." "گیریم که چنین بوده باشد و آن دو دختر به همان جرم، دستگیر شده باشند و باقی قضایا... اما ولی و مگر! آیا ممکن است از افراد و اشخاص «مشهور و نیک نام»، باج گرفت؟! "

اگر این افراد و اشخاص مورد نظر، مشهور بوده اند، هرگز نمی توانند "نیک نام" باشند(البته در شرایط کنونی)، و دیگر اینکه اگر در آن خراب آباد، شخص نیک نام باشی، هیچگاه مشهور نمی شوی. البته با در نظر داشت این اصل مسلم که هر قاعده، استثنای ای هم دارد که در این مورد با درد و دریغ تعداد انگشت شماری را می توان نام برد که خواهران ما، یکی محترمه "انارکلی هنریار" و دیگر محترمه "بلقیس روشن" هستند و از برادران ما فقط می توان از محترم "رمضان بشردوست" نام برد.

و اما برگردیم به باقی قضایا و از یک زاویه دیگر به این قضایا بنگریم، تا چه قبول افتد و چه اندر نظر آید.

"معاون اول ریاست جمهوری که روز یک شنبه، بیست و هشتم جدی، فیصله های ۷۹ جلسه شش و نیم را در صفحه فیس بوکش نشر کرده، گفته است که این دو دختر با لباس های مفسن از «آدم های نیک نام و مشهور» باج گیری می کردند.

صالح می گوید که این دو دختر، مردان را تهدید می کردند که اگر پول ندهند به خانواده های شان و حقوق بشر شکایت می کنند که به آن ها «دست اندازی» کرده اند."

نخست باید از جناب امرالله صالح تشکر کرد که هر روز به ساعت شش و نیم صبح جلسه های امنیتی خود را آغاز میکند و تلاش می ورزد تا در راستای آوردن امنیت به شهر کابل، کاری انجام دهد، این در حالیست که در آن ساعت صبح زود(شش و نیم صبح)، تمام اراکین و مقامات بلند پایه حکومتی به خواب ناز رفته اند و تا به دفاتر مجلل شان میرسند، ده یا یازده صبح است و...

و اما در مورد اینکه آن افراد و اشخاص «مشهور و نیک نام»، کی ها اند و چه مقاماتی در حکومت کابل دارند، واضح، روشن و هویدا است که هرگز نام ها و شهرت شان به گوش نمی رسد.

امکانات بیشتر و قرین به حقیقت این قضیه باید به گونه ای بوده باشد که آن افراد و اشخاص «مشهور و نیک نام»، با سرمایه های باد آورده و آرگاه و بارگاه، در حقیقت در این سالهای پسین، مشغول عیاشی و خوشگذرانی و شرابخواری و زن باره گی بوده اند، چند زن و دختری را با زور و زر و تزویر به دام انداخته باشند و عاقبت گپ به جاهای باریک کشیده شده باشد و قضیه حاملگی و اولاد داری به میان آمده باشد و به اصطلاح گند قضیه بیرون برآمده و منجر به رسوائی و فضیحت، نه تنها آن افراد و اشخاص مورد نظر می گردیده است، بلکه دامان مقامات بلند رتبه و مهم حکومت را نیز می گرفته است.

پس چار ناچار باید چاره ای اندیشید و به گفته مشهور سر و ته ای قضیه را بهم آورد و روپوشی برای این رسوائی ننگین تهیه کرد تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد.

"معاون اول ریاست جمهوری افزوده است که شماری از مردان قربانی این تهدید شده اند و برای حفظ آبرو و گریز از جنجال به این دو دختر پول داده اند."

چه خوش گفته اند "تا نباشد چیزکی، مردم نگویند چیز ها" یا اینکه "دزد نباشی، از پاچا نترس" و یا " آنرا که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است".

بلی! آنکه دزد نیست، از پاچا نمی ترسد و آنکه ریگی در کفش نداشته است، هرگز به کسی باج نمی دهد. این افراد و اشخاص مورد نظر که به آن دو خانم باج داده اند، حتماً سر و سئری با آنها داشته اند و چون آن ارتباطات نامشروع و تعفن آور، به گونه ای افشا گردیده اند، شروع کرده اند به پرداختن پول بصورت منظم و طی چندین سال و حال که دیگر بوی تعفن آن رزالت های شان بالا گرفته است، دست به دامن تفتین و توطئه و دسیسه برده اند و چون دستان پرقدرتی در عقب آنان قرار دارد، این گونه به جعل کاری پرداخته اند و...

شاید هموطنانی انتقاد کنند که چرا به هر پدیده و هر عملی باید به دیده شک نگریست. خدمت شان باید عرض کرد اینکه در نیم قرن اخیر و بخصوص در بیست سال پسین، سخن راست شنیدن حکم کیمیا پیدا کرده است و زمینه اعتماد سازی را چپ و راست، نیست و نابود کرده اند و امروز با درد و دریغ اگر بگویند شیر سفید است و شکر شیرین، باید اندیشید که چه توطئه ای درکار است و کجای کار می لنگد. بازخواست آن زنان هموطن ما را کی خواهد کرد، درحالیکه آن افراد «مشهور و نیک نام»، بر علاوه خروار ها پول بادآورده، واسطه های قوی داخلی و خارجی هم دارند و لاجرم به مقامات بلندتر ای سوق داده می شوند تا خون ملت را هرچه بیشتر بمکند.

مگر نه این است که خونخوارترین ملیشه نجیب گاو را که به "گلم جم" مشهور بود، جنرال و مارشال و خالد بن ولید و معاون رئیس جمهور مقرر کردند و امروز می بینیم که یک پسر او در ولسی جرگه، یک دختر او در مشرانو جرگه لم داده اند و حتی در همین هیئت حکومت در مذاکرات "صلح" دوحه، پسر دوستم و پسر اعطا محمد چور و یک مشت افراد بیکار و بی عار دیگر، گویا از ملت با شهامت افغان نمایندگی میکنند و...

آیا رئیس فدراسیون فوتبال افغانستان (کرام الدین کریم) که بزرگترین خیانت و جنایت را در حق خواهران فوتبالیست ما و در حق تمام ملت با شهامت ما و در حق وطن ویران ما، انجام داد، تا امروز به محکمه کشانیده شده است؟!!

قاتلین خواهرک ما شهید "فرخنده"، چرا به جزای اعمال شوم شان نرسیدند و از در به زندان برده شدند و از دریچه بیرون ساخته شدند.

گلبدین راکتیار را که بزرگترین جنایت تاریخ را در افغانستان رقم زد، امروز آرگاه و بارگاه ارزانی داشته اند و میلیونها دالر از مال ملت را به پاهای کثیفش ریختند و...
طومار این خیانت ها سر دراز دارد....

پس به این کمترین حق دهید که هر خبر و گزارشی را با دیده شک بنگرم و در حد توان محدود خود، آنها را حلاجی کنم و از زاویه های مختلف به آنها بنگرم. قضاوت آخر هم به هموطنان است. این عکس را هم داشته باشید.



نصب مدال زناکاری